



سر سخن

تمام نیرو و به شدت از دید کارشناسی فاصله می گیرد و به هیچ نظر، نقد، توصیه و هیچ تکلیف علمی تن در نمی دهد.

مشکل ما در ایران عبارت از این است که دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی بعنوان یک نیروی بازدارنده از هر گونه گردهمایی و برقراری جلسات در زمینه های فرهنگی در خارج از چارچوب دستگاه های وابسته به حاکمیت بشدت جلوگیری می کنند. بنابراین تنها چاره این است که در خارج از ایران این چهره های ایرانی صاحب قدرت از نقطه نظر مالی و موقعیت فرهنگی همتی کنند و غیرتی بخرج بدهند و بتوانند کانون های پاسداری از میراث فرهنگی ایران و پژوهش در زمینه تاریخ و فرهنگ ایران را بوجود بیاورند.

میرصیافی: از آنجایی که شما اولین شخصیت سرشناس در داخل ایران بودید که به طور علنی و رسمی به آنگیری سد سیوند اعتراض کردید، ممکن است بفرمایید که چرا مسئولان و متولیان امر، علیرغم اشراف بر این موضوع که در صورت آنگیری سد سیوند آثار باستانی دشت پاسارگاد آسیب خواهد دید، بر انجام آنگیری سد اصرار دارند؟

دکتر ورجاوند: من بارها در مصاحبه های مختلف با رسانه های درونی از جمله سایتهای خبری و همچنین رسانه ها و تقریبا عمده رادیوهای شناخته شده به زبان فارسی در خارج از کشور به این مسئله پرداختم و به این موضوع اشاره کرده ام که در ایران و در شرایطی که بعد از انقلاب بسر می بریم، ذهنیت پاسداری از میراث فرهنگی به معنی واقعی کلمه که در خور ارزش این پدیده ای که در دنیا امروز ذهن همه کشورها را به دو جهت به خودش معطوف ساخته است، یکی از جهت نشان دادن پیشینه هویتی ایشان و دیگری از نقطه نظر اهمیتی که در کار صنعت توریسم بر عهده دارد، در ایران در هیچ یک از این دو بعد این مسئله به معنای واقعی کلمه مورد قبول و پذیرش صاحبان قدرت نیست و بنابراین با وجود تمام تلاشهایی که شده و چندین کنفرانس که من در محیط های دانشگاهی داده ام و مصاحبه هایی که با میراث خبر، ایسنا (خبرگزاری دانشجویان ایران) و ایلنا (خبرگزاری کار ایران) و دیگر سایتهای داخلی انجام داده ام و بخصوص بازتاب هایی که گفتگو های من با خارج از کشور داشته است شاید برای اولین بار بود که مقام های مسئول سازمان هایی که درگیر این پروژه هستند را مجبور کرد که در یک نشست گسترده در دانشگاه تهران حضور پیدا کنند و در کنار من بنشینند و توضیحاتی را که من می دهم و دلایل مخالفت خودم را که ابراز می کنم در واقع بتوانند پاسخ بدهند البته نه در جهت رد آن بلکه در جهت تصدیق آن و بگویند که ما تا زمانی که شما معتقد هستید که در اینجا کار بررسی و کاوش به سامان نرسیده است در هیچ شرایطی دست به آنگیری نمی زنیم و زمانی این کار را انجام می دهیم که از نقطه نظر علمی، صاحب نظرانی که تا بحال این مسئله را پی جسته اند به این نتیجه برسند که این آنگیری نمی تواند لطمه های اساسی به آثار آن منطبق وارد بکند. این اولین بار بود که معاون وزارت نیرو، مدیر منطقه ای آب استان فارس، معاونت سازمان میراث فرهنگی، رئیس پژوهشگاه باستان شناسی سازمان میراث فرهنگی، همه به آنجا آمدند و من این بحث گسترده را مطرح کردم و چهره شناخته شده ای چون دکتر دادخواه، وکیل سرشناس ایرانی از طرف کانون وکلای مدافع حقوق بشر نیز از بعد حقوقی به مسئله حفظ میراث فرهنگی در چارچوب حقوق بشر پرداختند و در آن جلسه به شهادت فیلم های ویدیویی گرفته شده و نوارهای ضبط شده و بازتاب آن در نشریه های مختلف، آقایان متعهد شدند که تا زمانی که ما از نظر کارشناسی مشکلی را برای آنگیری اعلام نکنیم دست به آنگیری سد نخواهند زد حال اگر بار دیگر زمزمه آنگیری سد سیوند مطرح شده است مسئله ای است که مثل همه مسائل دیگر حاکی از آن است که حاکمیت با تمام نیرو و به شدت از دید کارشناسی فاصله می گیرد و به هیچ نظر، نقد، توصیه و هیچ تکلیف علمی تن در نمی دهد.

میرصیافی: از زمان آشکار شدن این قضیه تا بحال اقدامات گسترده ای از سوی نهاد های غیر دولتی و شخصیت های گوناگون برای جلوگیری از تخریب آثار باستانی دشت پاسارگاد صورت گرفته است و "کمیته بین المللی نجات دشت پاسارگاد" پیشاهنگ این جریان های اعتراضی بوده است. آیا شما اقدامات انجام گرفته در این زمینه را قابل قبول می دانید؟ چه راهکار هایی را برای تقویت این جریان پیشنهاد می کنید؟

گزارش به یاران پایگاه

دروود بر شما. این سومین گزارش پایگاه به یارانش است. پس از دوره ی فترت تابستانی دوباره کار را از سر گرفتیم، هر چند در این مدت نیز از بالا بردن آگاهی ها و برقراری ارتباط غافل نشده بودیم. اینک با ایمانی راسخ تر راه را دنبال خواهیم کرد. کماکان توجه ما بر روی « یادگارهای در خطر متمرکز است.

مراد ما از یادگارها، سه زمینه ی زیر است:

- ۱- یادمان ها (آن بناهایی که نماد هنر یا فرهنگ ایران و ایرانی هستند و تصویری از تاریخ پرفراز و نشیب ما، بر پیشانی شان نقش بسته است).
 - ۲- زیست بوم ها (همه زیست بوم های ایران که نشان دهنده ی احترام نیاکان ما به طبیعت هستند).
 - ۳- آیین ها (هر آنچه از سنت ها و رسم ها برای ما بازمانده است).
- پس با این ترتیب می توانیم هدف های پایگاه را این گونه باز تعریف کنیم:
- اطلاع رسانی یادگارهای در خطر
 - بالا بردن سطح حساسیت جامعه نسبت به آسیب دیدن یادگارهای فرهنگی.
 - بالا بردن سطح آگاهی جامعه نسبت به اهمیت یادگارهای فرهنگی.
 - تشکیل نهادهای بی گیر برای پاسداری از یادگارهای فرهنگی.

پس اگر ایمان شما هم از پیش راسخ تر شده، به ما پیوندید، ایرادهای ما را گوشزد کنید، پیشنهاد بدهید و خود بخشی از مسوولیت را بر عهده بگیرید.

قرار ما در گردهم آیی یاران پایگاه

دبیر پایگاه اطلاع رسانی برای نجات یادمانهای باستانی علیرضا افشاری

گردهم آیی یاران پایگاه

پایگاه اطلاع رسانی برای نجات یادمانهای باستانی جهت ارایه ی گزارش به یارانش و گرفتن نیرو برای فعال سازی گروه اجرایی، دومین مجمع عمومی خود را برگزار می کند. از همه ی آنانی که به یادگارهای فرهنگی این سرزمین علاقه مندند، حتا اگر نسبت به فعالیت های پایگاه انتقاد دارند، دعوت می شود که با حضور خود به یگانگی و در نتیجه تاثیر گذاری بیشتر کوشش هایی از این دست، یاری رسانند. در پایگاه بر روی همه ی علاقه مندان باز است و این آمادگی در پایگاه وجود دارد تا از وجود آنان در رکن های اصلی خود بهره ببرد. ایران را دریابیم.

زمان: پنج شنبه ۱۳۸۵/۹/۲، ساعت ۱۵

مکان: مرکز مشارکت های مردمی، تقاطع خیابان های ویلا (نجات الهی) و ورشو

خبرهای پایگاه

مصاحبه با دکتر پرویز ورجاوند باستانشناس و پژوهشگر برجسته ی ایرانی

درباره سد سیوند

امیدرضا میرصیافی

به شهادت فیلم های ویدیویی گرفته شده و نوارهای ضبط شده و بازتاب آن در نشریه های مختلف، آقایان متعهد شدند که تا زمانی که ما از نظر کارشناسی مشکلی را برای آنگیری اعلام نکنیم دست به آنگیری سد نخواهند زد حال اگر بار دیگر زمزمه آنگیری سد سیوند مطرح شده است مسئله ای است که مثل همه مسائل دیگر حاکی از آن است که حاکمیت با

دکتر ورجاوند: ببینید، متأسفانه ما در ایران و در شرایط کنونی از در اختیار داشتن امکانات خیلی طبیعی و عادی برای برپایی نشست‌ها و فراخوان دادن برای حضور علاقمندان در جهت بحث و تحلیل این مسائل در تگنای شدیدی هستیم به همین دلیل است که در مورد مسئله ساختمان جهان نما و لطمه بنیادینی که این بنا بر میدان نقش جهان وارد کرده، من این مسئله را برای اولین بار در یک مصاحبه مفصل با بی بی سی اعلام کردم و در پی آن گفتگو سبب شد که در درون و بیرون از کشور یک مجموعه موضع گیری هایی صورت بگیرد. در خارج از ایران به دلیل امکانات گسترده رسانه ای این کار می توانست در یک اندازه گسترده مطرح بشود ولی جز در یک یا دو مورد و همین تشکیلی که نام بردید بویژه آقای دکتر نوری علا و خانم شکوه میرزادگی که قضیه را پی جستند با کمال تأسف باید گفت این رسانه های به شدت پر شمار فارسی زبانی که در آنجا فعال هستند و می توانستند مسئله را به رسانه های بین المللی هم بکشانند، چنین همتی از کسی دیده نشد. بنابراین بازتاب مسئله به گونه ای که در خور آن مسئله بود و بعد در پی آن همین مسئله سد سیوند از نظر بازتاب جهانی آنطور که می بایست از سوی جریانها و رسانه هایی که می توانستند به راحتی در این زمینه در خارج اقدام بکنند صورت نگرفت حتی جالب است که بداند با آگاهی بر اینکه در درون ایران با وجود همه مشکلات من این مسئله را تعقیب می کنم به غیر از دو سه مورد رادیو های مختلف، این رسانه های دیداری که می توانستند از طریق توضیحاتی همراه با سند های تصویری موضوع را بازتاب دهند، هیچ گونه آمادگی از خودشان نشان ندادند. بنابراین ما در درون ایران همچنان در محدودیت هستیم یعنی در درون ایران متأسفانه به دلیل اینکه در ارگان های دانشگاهی حتی در ارگانهای دانشگاهی که در آنها رشته هایی مانند باستان شناسی، معماری و هنر وجود دارد از نقطه نظر کسانی که گرداننده و مدیران این ارگانها هستند؛ نه تنها شناختی از این مسئله ندارند بلکه به هیچ عنوان آنرا به عنوان مسئله پر اهمیت مورد توجه قرار نمی دهند و به دانشجویان امکان داده نمی شود تا کنفرانس هایی با شرکت صاحب نظران تشکیل دهند. هم اکنون برای کتیبه های گل نوشته تخت جمشید که در این چند ماه اخیر مطالبی در مورد آنها مطرح شده، دو تا سه تشکل غیر دولتی دانشجویی در تلاش هستند تا در یکی از تالارهای دانشگاهی و فرهنگسراها که همگی خالی هستند جلسه ای تشکیل دهند تا در آنجا من بتوانم اهمیت این کتیبه ها و ارزش معنوی آنها را از نقطه نظر پیشینه بسیار بسیار افتخار آفرینی که در جامعه ایران در زمینه نحوه برخورد با جامعه کارگری، متخصصان و هنر آفرین ها داشته، مورد بحث قرار بدهم ولی هنوز این جوانها با تمام علاقه ای که به خرج می دهند و تلاشی که می کنند موفق نشده اند که یک تالاری را برای دو تا سه ساعت در اختیار بگیرند. یعنی دانشگاه ها، شهرداری و تمام دستگاههایی که امکاناتی در اختیار دارند برای آنکه بشود از آن امکانات در زمینه آگاهی دادن به مردم، نشان دادن فیلم، اسلاید، تصویر و نمایشگاه و سخنرانی در جهت تشویق جامعه به حفظ و نگهداری از میراث فرهنگی و در جهت بازداشتن مسئولین از اقداماتی که می تواند لطمه به این آثار بزند، هیچ یک آمادگی در اختیار گذاردن آن امکانات را ندارند. بنابراین من نه تنها آنچه را که تا کنون صورت گرفته است کافی نمی دانم بلکه به شدت ضعیف می بینم و معتقد هستم تا یک حرکت به شدت گسترده در درون و بیرون از ایران صورت نگیرد ما همه روزه شاهد این خواهیم بود که به یک اثر لطمه بخورد. من جرات این را دارم که بگویم تقریباً روزی در این سرزمین نیست که یک اثر ارزشمند فرهنگی قبل از اسلام و بعد از اسلام ایران مورد تجاوز قرار نگیرد، در یک بافت قدیمی آناری را از هم ندرند، به یک مجموعه بنا لطمه وارد نکنند و یا بناهای بسیار شکوهمندی مانند مجموعه کم نظیر کوه خواجه در نزدیکی زابل را به امان خدا رها نکنند که بر اثر تابش آفتاب در تابستان ها و یا بارش های سیل آسای فصلی، امروز بیم آن می رود که این بنا به نابودی کشانده شود. بنابراین برای نجات میراث فرهنگی ایران نیاز به یک همت بالایی است که ما در درون ایران افرادی که علاقه داشته باشند و همت این کار را داشته باشند فراوان داریم ولی موانع بازدارنده از سوی حاکمیت آنقدر گسترده است که امکان یک حرکت اثر بخش را در جامعه نمی دهد و آن انبوه هموطنانی که در فراسوی مرزها هستند و از امکانات گسترده مادی و آزادی کامل برای برپایی مراسم و طرح مسئله مهم حفظ میراث فرهنگی در اختیار دارند و می توانند گام های بلندی را بردارند جز چند تنی بقیه را می توان گفت که در یک خواب بلند مدت به سر می برند و به تنها چیزی که توجه و عنایت ندارند این است که در قبال حفظ میراث فرهنگی مملکت باید اقدامی کرد و ذهن جوامع مختلف در دنیا را به نحوه برخورد نامعقول حاکمیت با این آثار معطوف سازند.

میرصیافی: ظهور امر حکایت از آن دارد سازمان میراث فرهنگی، متولیان پروژه های عمرانی را موظف کرده است که قبل از انجام هر پروژه ای از این سازمان استعلام گرفته شود تا از وقوع مسائل شبیه به پروژه سد سیوند جلوگیری شود. پرسش من این است که این طرح سازمان میراث فرهنگی تا چه میزانی ضمانت اجرایی دارد؟ چرا مسئولان و متولیان چرا تا کنون به این قضیه فکر نکرده بودند؟

دکتر ورجاوند: می دانید که در بعد از انقلاب مسئولیت وزارت فرهنگ و هنر در دولت موقت بر عهده من قرار گرفت ولی به دلیل اینکه جماعتی می دانستند من با تمام نیرو در مسیر حفاظت از این آثار تلاشی خواهم کرد و نه تنها درباره این آثار، بلکه دیگر آثار هنری، موزه ها

و گسترش فعالیت‌های و فضای باز فرهنگی گام بر خواهم داشت و خواهم کوشید تا گشایش چشمگیری را برای فعالیت‌های فرهنگی و هنری در ایران ساماندهی بکنم، با قدرتهایی که بصورت دولت سایه که می خواستند دولت موقت را در زیر سلطه قرار بدهند در گیر چالش شدند و سرانجام حتی قبل از اینکه عمر دولت موقت به پایان برسد ناگزیر شدم برای توجه دادن به جامعه درباره تنگنایی که می خواهند بر حرکت‌های فرهنگی و هنری تحمیل کنند از سمتی که داشتیم استعفا بدهم و کنار بروم. مسئله اساسی این بود که از اول، دستگاه حکومت پس از انقلاب تلاش فراوانی را انجام داد که عملاً تلاش برای حفظ میراث فرهنگی پدیده مطبوعی نباشد یعنی به شمار زیادی از این آقایان چه در کسوت روحانیت و چه غیر روحانیت هر وقت سخن از آثار شکوهمندی مثل تخت جمشید، پاسارگاد و مانند آن در ایران صورت می گرفت با بکار بردن کلمات من درآوردی طاغوتی و یاقوتی با آن برخورد می کردند و معتقد بودند که اینها نشانه های ساختارهایی است که ملت ایران باید آن ساختارها را نفی بکند. مقاومت ملت ایران سبب شد که حاکمیت در این نگرش خود تغییریاتی بدهد ولی در عمل هیچگاه برای دستگاهی که بنام وزارت فرهنگ و هنر بود و می توانست بعنوان یک وزارت خانه نقش قدرتمندی را ایفا بکند و می توانست عملکرد آن در مجلس مورد نقد قرار بگیرد، اهمیتی قائل نبودند و ساختار آنرا تغییر دادند و از نظر ساختار اداری آنرا بصورت یک زیر مجموعه در آوردند که در عمل کوچکترین قدرتی در جهت اعمال حاکمیت درباره حفظ میراث فرهنگی نداشته باشد. این مسئله تداوم پیدا کرد تا زمانی که آمدند این مسئله را بعنوان یک مجموعه پیوند یافته با جهانگردی از یکسو و سپس از با صنایع دستی پیوند دادند و تشکیلاتی را بوجود آوردند که اگر درست طراحی شده بود و به یک وزارت خانه تبدیل می شد، و مدیرانی با تجربه، کارشناس و تحصیل کرده و با قدرت را در آن می گماردند قادر بر آن می گشت تا کارایی و توان مانور لازم را پیدا کنند ولی متأسفانه این شرایط هیچ یک حاکم نشده است، بنابراین شهرداری ها، اوقاف، وزارت مسکن، وزارت صنایع در قالب ساختن شهرک های صنعتی و وزارت کشاورزی در قالب پروژه های گسترده کشاورزی، وزارت نیرو در قالب پروژه های سد سازی، وزارت را در قالب پروژه های راه سازی، یعنی عمده ارگانهای این مملکت و وزارت خانه ها با اقتدار هر چه تمام تر بدون اینکه کوچکترین نظر خواهی را از کادر کارشناسی میراث فرهنگی داشته باشند دست به اقدام می زنند و پس از اینکه وارد فعالیت می شوند و پروژه های خود را به مرحله اجرا می رسانند، در حین عمل که با برخی از آثار برخورد می شود و آنرا هم مردم اطلاع می دهند، آنها ناگزیر می شوند در برخی موارد و نه همیشه بگونه ای اجازه دهند که سازمان میراث فرهنگی در حوزه خود وارد عمل بشود. هم اکنون من دو جا را می توانم نام ببرم. یکی نیروگاه برق کازرون که در آنجا آقایان وقتی با بلدوزور کار می کردند، جوانان منطقه که من را می شناسند از طریق تماس تلفنی، نامه و ارسال عکس خبر از تخریب آثار باستانی دادند. با دیدن عکسها متوجه شدم که این آثار متعلق به ساسانیان است که در بین آنها یک کتیبه با بیش از یک متر طول وجود دارد. من به دلیل اینکه هنوز شماری از شاگردان سابقم که کارشناسان بسیار صمیمی هستند و در سازمان میراث فرهنگی مشغول به کار می باشند، با آنها تماس گرفتم و توانستند یک نفر را به آن منطقه بفرستند تا لا اقل آن کتیبه دوران ساسانی را به شیراز ببرند. هم اکنون در منطقه رامهرمز سدی است با نام "جره" که یک سد قوسی شکل متعلق به دوران ساسانی است که ارزش های بالایی را از لحاظ تکنیک سد سازی دوران باستانی ایران در بر دارد. در برابر آن سدی را دارند می سازند که اگر روزی این سد را آبگیری کنند، این سد ۱۷۰۰ ساله متعلق به ساسانیان که در طول زمان هیچ چیزی نتوانسته در آن رخنه ایجاد کند بطور کامل در دریاچه پشت سد غرق آب می شود. بنابراین موازین قانونی حکم می کند هر پروژه عمرانی که از اولین گام مطالعاتی، مسیر یابی و مکان یابی همراه با کارشناسان باستان شناسی مورد بررسی قرار گیرد، ولی تا بحال یکبار هم نشده است که ارگانهای مختلف به این مسئله تمکین کنند و بخواهند که چنین روندی انجام بگیرد و بنا براین هیچ قول و قراری پایدار نیست و به دلیل اینکه از یک سو سازمان میراث فرهنگی در عمل قدرت اعمال حاکمیت در حوزه کاری خود را ندارد و از سوی دیگر با تغییراتی که در این دولت بوجود آمده است و گروه پر شماری از کارشناسان با ارزش سازمان میراث فرهنگی را برکنار، بازنشسته و یا پراکنده کرده اند و افراد نا آگاه با گستره علم باستان شناسی و حفظ میراث فرهنگی بیشتر پست های کلیدی را در اختیار گرفته اند، انتظاری نمی رود که آنها حداکثر در حد یک اعتراض ساده، مانند ارسال یک نامه در قبال لطمه به میراث فرهنگی موضع قاطع و بازدارنده ای را اتخاذ کنند.

میرصیافی: همانطور که می دانید، پروژه احداث سد سیوند تنها طرح عمرانی نیست که در نهایت منجر به صدمه دیدن آثار باستانی خواهد شد. علاوه بر مواردی که شما نام بردید پروژه عبور مترو از منطقه چهار باغ اصفهان، ساخت پل روگذر در عرصه و حریم درجه یک شکارگاه خسرو پرویز در کرمانشاه، نمونه هایی دیگری از این دست هستند. آیا وقوع چنین جریاناتی تصادفی و بدون نیت خاص و تنها به دلیل عدم آگاهی است یا سوء نیتی در کار است؟

دکتر ورجاوند: من فکر میکنم در پاسخ های گذشته به این مسئله به گونه ای اشاره کردم. دستگاهی که مسئولیت پاسداری از میراث فرهنگی ایران را بر عهده دارد، جز تعدادی از

اعضای کادر این سازمان که باید به امور اداری و مالی بپردازند، تمامی افسرانی که در این سازمان کار می کنند باید باستان شناسانی باشند که اگر می خواهند به عنوان مدیر در آنجا کار کنند حداقل باید دوره کارشناسی ارشد را گذرانده باشند و بهتر اینکه دوره دکتری خود را گذرانده باشند و افزون بر داشتن چنین مدرکی توانسته باشند در حدود سه تا پنج سال در کارهای اجرایی تجربه اندوخته باشند و یا مهندسان معماری که دارای مدرک تخصصی مرمت بافت و بناهای تاریخی باشند که ما برای این کار در قبل از انقلاب آمدیم دو دوره تکمیلی برای باستان شناسان و مهندسان معمار تشکیل دادیم که بانی آن من بودم و این افراد یک دوره فشرده و سنگین یک ساله را گذراندند که می شود گفت معتبر ترین کارشناسان و معمارانی که طی سالیان دراز توانستند بار سازمان میراث را به دوش بکشند و هنوز چند تنی از آنان به گونه ای در این سازمان باقی مانده اند ، نشان دادند که به اعتبار توانمندی هایشان قادر هستند در حوزه مدیریتی خودشان نسبت به اقدامات دیگر سازمانها پیشی بگیرند . سالها فریاد زدیم که باید برای تمام این مناطق، که اکنون من و شما از آنها یاد میکنیم، نقشه های باستان شناسی دورانهای مختلف باید مشخص بشود تپه های پیش از تاریخ باید روشن باشد، حریم آنها باید معین باشد، موقعیت بافت هایی که باید مورد محافظت قرار بگیرند در نقشه تثبیت شود و هیچ ارگان و قدرتی حق این را نداشته باشد که در آنجا خشت روی خشت بگذارد مگر اینکه پروژه عمرانی در چارچوب یک کمیته کارشناسی با نظر مثبت باستان شناسان و معماران متخصص مورد تأیید قرار بگیرد . بنابراین در شرایطی که سازمان میراث فرهنگی از زمانی که شکل گرفته است بطور مداوم در شرایط افت و خیر قرار گرفته است و هیچگاه تلاش نشده است که یک مدیری در آنجا به کار گمارده شود که از یکساخت و جامعیتی برخوردار باشد . در یک زمانی یک مدیری را به سازمان میراث فرهنگی آوردند که دارای یک ذهنیت هنری بود که مهندس معمار هم بود و ابراز علاقه ای هم به مسائل باستان شناسی و مرمت آثار می کرد، ولی امکانات محدودی را در اختیارش گذاشتند بعد هم این شخص را به همراه مجموعه ای از افراد خبره و سابقه دار سازمان میراث فرهنگی در جریان تغییرات پوپولسیتی دولت اخیر از کار برکنار کردند و مدیرانی را از اینجا و آنجا به جای ایشان گماردند . بنابراین مسئله این است که تا شما یک سازمان قدرتمند را برای این مسئله بوجود نیآورید و این سازمان نتواند دستگاه های مدیریتی خودش را در استانهای مختلف به گونه مطلوب مستقر کند ، تا نقشه های معین تهیه نشود و تا زمانی که این مسئله با توجه به این تجاوز های پی در پی که صورت می گیرد در قالب یک قانون خیلی محکم، مجدد به تصویب مجلس نرسد و مجازات های سنگینی را برای کسانی که دست به این ویران گری ها می زنند، در نظر نگیرند، باز هم شاهد افتضاحات دیگری نیز خواهیم بود، نظیر کاری که شهرداری اصفهان در مورد حمام خسرو آقا انجام داد و این حمام را از بن برانداخت یا با روابط خاصی مقامات استان اجازه دادند که برج جهان نما ساخته شود و الان هم با قدری تمام در مقابل تمام افراد و سازمانها از جمله یونسکو ایستاده اند تا تخریب لازم را در بخش ارضی ساختمان انجام ندهند . در مورد همین متروی اصفهان و در همان زمانی که مسئله جهان نما مطرح بود، به دلیل اینکه شهردار و استاندار اصفهان یک ذهنیت مثبتی در مورد این مسئله داشتند از من دعوت بعمل آوردند و من به آنجا به عنوان حکم رقیم و در آنجا در مورد کاستن از ارتفاع برج جهان نما با توضیحات مفصلی که برای مجریان دادم، نظر من پذیرفته شد و هم در مورد مسیر مترو به جای آنکه از زیر چهارباغ بگذرد قرار شد از خیابان شمس آبادی بگذرد بدون اینکه از نقطه نظر فنی و مالی تفاوتی را بوجود بیاورد و توضیح دادم که چرا مترو نباید از زیر خیابان چهار باغ عبور بکند و ما باید در آینده نزدیک این شانس را داشته باشیم که در ضلع غربی چهار باغ دست به کاوش هایی بزنیم که آثار باستانی مربوط به دوران صفوی را بیرون بیاوریم، بنابراین وقتی شما متروی اصفهان را از زیر چهارباغ عبور می دهید ، تمام برنامه های جانبی قضیه را از بین می برید و دیگر اینکه ما باید در مسیر چهار باغ در جهتی حرکت بکنیم که در آینده بتوانیم به احتمال چهار باغ را با تمهیداتی که در پیش خواهیم گرفت، از حالت سواره رو، دست کم بخش بین زاینده رود و دروازه دولت را خارج کرده و از ترافیک دور بکنیم و وسایل نقلیه خاص مانند نوعی خاص از تراموا را در آنجا بکار بگیریم و آنجا را بعنوان یک منطقه توریستی که از نظر وسایل حمل و نقل دارای ویژگی های خاصی مانند کالسکه های قدیمی و غیره باشد معرفی کنیم . درست در همین موقع می بینیم که آقایان مرکز غنی سازی اورانیوم را در کنار شهر اصفهان برپا می کنند که اگر یک زمانی با این زمزمه هایی که وجود دارد قرار شود تهاجمی به این مراکز اتمی ایران بشود آنوقت ما به دست خودمان شرایطی را بوجود می آوریم که شهری مانند اصفهان را که شما به زحمت می توانید مشابه آنرا در دنیا بیابید در معرض سهمگین ترین خطر ویرانگری قرار می دهیم . بنابراین مجموعه

این مسائل حکایت از این دارد که در این تصمیم گیری ها نه خرد واقعی و نه شناخت علمی دخالت دارد و نه اصلا اعتقادی به حفظ میراث فرهنگی در گروهی از صاحبان قدرت وجود دارد . بنابراین میراث فرهنگی در ایران ستم رسیده ترین بخش از جامعه ایران است . این همه در حالی است که حفظ میراث های فرهنگی در بازتاب دادن ارزش هویت های ایرانی در دوران های مختلف، می تواند نسل جوان ایران را به دستاوردهای ارزشمند نیاکان خویش آگاهی بدهد و آنها را در جهت پاسداری از کل این میراث تشویق بکند و فضایی را بوجود بیاورد که ملت ایران بتواند از این آثار باقی مانده از میراث های ارزشمند گذشته اش در بعد تعالی بخشیدن و پویا ساختن فرهنگ خود از یک سو و در بعد ایجاد همبستگی و وحدت ملی از سوی دیگر بهره های کلان ببرد . و بالاخره از یاد نبریم که اگر قرار شود روزی کار جهانگردی در ایران رونق بگیرد و به آسانی بتوانیم درآمد این صنعت را جایگزین فروش نفت خام کنیم، بیش از هر چیز عامل جذب جهانگردان همین میراث های فرهنگی و باقی مانده و باقی مانده بافت های قدیمی شهر ها و روستاهای کهن این سرزمین هستند.

میرصیافی : یکی از دلایلی که ما تا کنون نتوانسته ایم به نتیجه مطلوب برسیم این بوده است که اعتراضات و اقدامات فراوان ما فاقد یک سازماندهی مطلوب بوده است . بعنوان آخرین پرسش می خواهم بدانم که به نظر شما سازمان های غیر دولتی درگیر این جریان ، کارشناسان خبره و در کل مردم ایران به چه صورتی می توانند پیام روشن ، صریح و جامعی را برای مسئولان و دولتمردان ارسال کنند که دیگر نه از این اتفاقات رخ بدهد و نه حتی فکر آن به سر کسی بزند ؟

دکتر ورجاوند : این مطلب را بارها گفته ام . ما تا نتوانیم یک انجمن قدرتمند در کشور بوجود بیاوریم که این انجمن قدرتمند از موقعیت ها و امکانات مناسب برخوردار باشد کار به جایی نخواهد رسید . عمده مسئله عبارت از این است که سالیان دراز من در صدد ایجاد انجمن گسترده ای با نام انجمن پژوهش و پاسداری از میراث فرهنگی ایران و کوشش برای باستان شناسی ارزشهای تمدن و فرهنگ و تاریخ ایران بوده ام ولی با ضوابطی که در دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی این مملکت وجود دارد امکان ایجاد چنین مجموعه ای که بتواند مکان داشته باشد ، سالن داشته باشد و دارای نشریه باشد و بتواند با برگزاری کنفرانس های تخصصی ، نیمه تخصصی و عمومی بتواند نظر مردم را جلب کند و بتواند روی این مسائل به گونه ای معقول مانور بکند و اهمیت این مسئله را برای جامعه بازتاب بدهد، را از ما گرفته اند و نتوانسته ایم راه به جایی ببریم . حتی در وضع موجود که چند سازمان غیر دولتی فرهنگی در تهران و دیگر شهرستانها وجود دارد آنقدر اینها در زیر تنگنا قرار دارند که حتی از سخنرانی کردن افرادی مانند من که به هر حال مورد توجه نسل جوان هستیم و شناخت و آگاهی ما را نسبت به این مسائل می دانند به شدت ممانعت می شود . بنابراین من در وضع موجود شرایط مناسبی را برای ایجاد یک کانون قدرتمندی که بتواند با نیرومندی به میدان بیاید نمی بینم . همین سه ماه پیش قرار بر این بود که در اصفهان برای مسئله مترو و عمارت جهان نما، یک نشست چند صد نفره در یک تالاری سامان داده بشود و از من هم دعوت شده بود که برای ایراد سخنرانی در آنجا حضور پیدا کنم ولی تنها دو روز مانده به اجرای این برنامه، همه چیز را بر هم زدند . حتی در حال حاضر در یکی از شهرهای اقماری کوچک اصفهان بنام گز، یکی از شخصیت های شناخته شده فرهنگی ایران به نام آقای ادیب برومند می خواستند بزرگداشت دو شاعر قرن هفتم و هشتم را برپا کنند که اجازه این کار را به ایشان ندادند . بنابراین مشکل ما در ایران عبارت از این است که دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی بعنوان یک نیروی بازدارنده از هر گونه گردهمایی و برقراری جلسات در زمینه های فرهنگی در خارج از چارچوب دستگاه های وابسته به حاکمیت بشدت جلوگیری می کنند . بنابراین تنها چاره این است که در خارج از ایران این چهره های ایرانی صاحب قدرت از نقطه نظر مالی و موقعیت فرهنگی همتی کنند و غیرتی بخرج بدهند و بتوانند کانون های پاسداری از میراث فرهنگی ایران و پژوهش در زمینه تاریخ و فرهنگ ایران را بوجود بیاورند و به این ترتیب با توجه به رسانه هایی که امروزه دیگر دسترسی به آنها در سراسر ایران به نسبت کار آسانی است، بتوانند برنامه های سنگینی را ساماندهی بکنند و آنرا منعکس بکنند و بگونه ای مستمر در طول هفته هر ویرانی را که در هر بخشی از میراث فرهنگی ایران صورت میگیرد بتوانند سریع بازتاب بدهند و بدین ترتیب بپذیرند که در کنار برخی اقدامات سیاسی، یک ملتی با ویژگی های ملت ایران اگر نتواند در بعد مسائل فرهنگی و تاریخی به یک خودشناسی آگاهانه دسترسی پیدا کند و هویت درخشان گذشته اش را چنان که باید نشناسد و از نمود های این هویت نتواند پاسداری کند بدون تردید در زمینه ایجاد تحولات سیاسی در جامعه ایران توفیق چندانی نصیب کسی نخواهد شد .

میرصیافی: سپاسگزارم.